



امشارات و انگاه تهران

۱۴۸۷

چاپ دوم

تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران

جلد اول

نقاش

دکتر حسین محبوبی اردکانی



انتشارات دانشگاه تهران

۱۴۸۷

جلد اول

تاریخ مؤسسات تمدنی
جدید در ایران

نقاش دکتر حسین محبوبی اردکانی

۱۳۲۰



Tehran University

Publications

No. 1487

Tarikh-e Moassast-e Tamaddoni-ye Gadid dar Iran

Vol.1

Second Edition

By

Hossein Mahbubi Ardakani

1992

کتابخانه
بهرام حسین زاده
۱۳۵۸

تاریخ
موسسات تمدنی جدید در ایران

جلد اول

نقاش

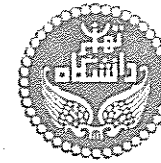
دکتر حسین محبوبی اردکانی

www.KitabFarsi.com



دانشگاه خوب، یک ملت اسعادمند می‌کند

« امام خمینی قدس سره الشریف »



انتشارات دانشگاه تهران

شماره انتشار ۱۴۸۷

شماره مسلسل ۳۱۰۹

ناشر : مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

تیراژ : ۲۰۰۰ نسخه

تاریخ انتشار : دی‌ماه ۱۳۷۰

چاپ و صحافی : چاپخانه مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است

کلیه حقوق برای دانشگاه تهران محفوظ است

قیمت : ۲۰۰۰ ریال

بنام خدا

یادداشت

جلد اول کتاب « تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران » تألیف سراد بزرگوارم مرحوم دکتر حسین محبوبی اردکانی ، در سال ۱۳۵۴ از طرف دانشگاه تهران منتشر شد و مورد توجه و اقبال محققان و علاقه‌مندان قرار گرفت و نایاب گردید . اکنون موجب خوشوقتی است که چاپ دوم آن، به عنایت دانشگاه تهران منتشر می‌شود .

برای اطلاع خوانندگان از پیشینه مجلدات بعدی ، توضیح زیر را بی‌مناسبت نمی‌داند: چاپ جلد دوم هنوز به پایان نرسیده بود که مؤلف، دانشمندش درگذشت و از آنجایی که آن بزرگوار ، بیش از ده سال ، بانهایت صبر و حوصله و بدون چشم داشت مادی ، در امر تحقیق و تصحیح و چاپ مجلدات پنجگانه اسناد و مدارک فرخ خان امین الدوله (مجموعه اسناد و مدارک اهدایی مرحوم حسنعلی غفاری به دانشگاه تهران) و مخزن الوقایع (سفرنامه فرخ خان امین الدوله) و . . . یار و مددگارم بودند و از این رهگذر ، دینی غیر قابل جبران بر ذمت خود داشتیم آن را به پایان بردم که در سال ۱۳۵۷ در سلسله انتشارات دانشگاه تهران منتشر شد .

متأسفانه بین چاپ جلد دوم و سوم، تصاریف روزگار فاصله انداخت، و چاپ آن بیش از ده سال به طول انجامید. با عنایت خداوندی ، جلد سوم یعنی آخرین جلد نیز با همکاری آقای جهانگیر قاجاریه در سال ۱۳۶۸ به چاپ رسید و با انتشار و انتخاب آن به عنوان « کتاب برگزیده سال جمهوری اسلامی ایران » به خدمات علمی و فرهنگی آن محقق دانشمند ارج گذاشته شد . این توضیح را نیز ضروری داند: همانطور که در چاپ اول (۱۳۵۴) نیز درج است ، مؤلف وارسته در تألیف این اثر « از هر نوع مدح و قدح برکنار مانده و نظری جز کشف حقیقت و ابراز آن نداشته است . . . » و این روش پسندیده را در سراسر کتاب (مجلدات دوم و سوم) نیز کاملاً رعایت کرده و خود را از شائبه هرگونه تعلق و تملق به ابنای روزگار دور نگاه داشته است . و اگر نام جدید شهر و موسسه‌ای را ، به سرسوم و مصطلح آن روزگار به کار برده، چون محقق دقیق و امینی بوده، برای تشحید ذهن تاریخی خوانندگان، نام اصلی هریک را نیز نوشته است .

الف



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جناب آقای دکتر حسین محبوبی اردکانی

تلاش هوشی شاد و فرخندهم آوردن کتاب تاریخ سنیست که فی جدید ایران تالیف

کتابت که اجابت تکلیف علمی همه عالمان روشنگران نویسنده گان جامعه انقلابی ما است

پرشاهه پر مردم ما مبارک باد.

در جامعه ای که ایمن آن اسلام و اینک محمی آن انقلابی سلوتمند به عادت

رهبری قید حکیم و غار فی بزرگ چون حضرت امام خمینی هفت نوزاد است و دو دم بخش آن

انقلاب رهبری بزرگوار و عالم وادی پر بهر کار چون حضرت آیت الله خامنه ای

شایسته است که تلاش فریبگی در جایگاه بلند خود قرار گیرد و این آریج و بهای لازم آوده

همین به نام ملت ایران از شما بخاطر سستی که در این امر خطیر پذیرفته اید قدر و توانی می گنم

دکتر اکبر باغی رهنمایی

رئیس جمهوری اسلامی ایران

در حالی که در آن روزگاران ، بسیاری از مؤلفان، بنابه ملاحظاتی آنرا رعایت نمی کردند: مانند بندر انزلی (بندر پهلوی) و اورمییه - ارومییه (رضائییه) ...

به مناسبت اینکه چاپ دوم این کتاب وقتی منتشر می شود که مؤلف بزرگوارش در گذشته است، مقاله ای که به قلم دانشمند ارجمند آقای ایرج افشار در سرگذشت او ، در مجله را هنمای کتاب (سال بیستم ، آبان و دی ماه ۱۳۵۶ درج شده است ، مقدمه چاپ دوم قرار گرفت ، تا خوانندگان ، آن سرد آزاده وارسته را بهتر و بیشتر بشناسند و یادش را گرامی بدارند.

کریم اصفهانیان

مهرماه ۱۳۷۰

abFarsi.com

حسین محبوبی اردکانی*

حسین محبوبی اردکانی، دوست بزرگوار و دانشمند پرمایه ام درگذشت. فوتش در اواخر ماه آبان روی داد. سنش از شصت و سه در نگذشته بود. *
ولی چند ماه اخیر حالش نزار بود. تا اینکه تن خویش را به دست تیغ جراح سپرد و پس از چند روز که بیهوش و بی توان بود درگذشت.
حسین محبوبی اردکانی محبوب حلقه دوستان و همه محققان تاریخ ایران بود. زیرا هم محقق و دانشمندی پرکار بود و هم انزوا جوی و محبوب و بی شنبه و پیله. بهیچ روی تشبث کننده نبود. هیچگاه بهبالغه و تملق خود را آشنا نکرد. آرام بود. متین بود. فضیلتها داشت که به آسانی شمردنی نیست.
هر کس بجای او بود، وقتی که درجه دکتری در رشته تاریخ را به دست آورده بود دست و پائی می کرد که از سمت اداری به هیأت علمی دانشگاهی تغییر وضع پیدا کند ولی به هیچ اقدامی نپرداخت و کسی هم برای او کاری نکرد تا دوران بیشتری از وجودش و دانائی اش استفاده شود. آن ایام در سفری بودم. وقتی باز -

* - مجله راهنمای کتاب، سال بیستم، آبان و دی ماه ۱۳۵۶

** - متولد ۱۲۹۴ در اردکان و متوفی در ۲۳ آبان ۱۳۵۶ در تهران. فرزند مرحوم آقا شیخ محمد، نجل حاجی ملاحسین (معروف به حاجی آخوند) فرزند حاجی ملاحمد علی فرزند حاجی آقا محمد بود که همگی از علما و بزرگان یزد بوده اند. تحصیلات ابتدائی و مقدمات غربی را در محضر حاجی شیخ محمد مدیر به اتمام رسانید. تحصیلات متوسطه جدید را در یزد و تحصیلات عالی را در تهران انجام داد. مدت پنج سال سمت ریاست دبیرستان ایرانشهر یزد را برعهده داشت (ابراهیم حائری).



دکتر حسین محبوبی اردکانی

(۱۳۵۶ - ۱۲۹۴)

گشتم و شنیدم خود را بازنشسته کرده است دیدمش و پرسیدم چرا؟ گفت دیگر حوصله کار نداشتم. می‌خواهم آسوده باشم.

محبوبی از خاندانی اردکانی بود. عده‌ای از افراد خاندانش از عالمان دین بودند و در اردکان و یزد شهرت و مرجعیت داشتند. محبوبی خود از آن مکتب بهره‌های وافریافته بود و در سباحث فقهی و اصولی و دیگر علوم قدیمه دست داشت. پس از آن تحصیلات خود را در دانشسرای مقدماتی و سپس دانشکده ادبیات انجام داد و در رشته تاریخ ایران که بسیار بدان علاقه داشت درجه دکتری گرفت. رساله دکتری در موضوعی بدیع و مهم و عنوان آن «تاریخ تأسیسات تمدنی جدید در ایران» است. او بیش از هر کس دیگر درین باب مطالعه داشت و بر منابع و مآخذ ایرانی، علی‌الخصوص مطالب جراید و مجلات و گزارشهای مربوط بدین موضوع مطلع بود. بی‌تردید در زمینه تاریخ قاجار از مطلعان و متخصصان طراز نخست بود. رجال عصر قاجاری را خوب می‌شناخت و حضور ذهنی عجیب درین مورد داشت. رابطه خاندانهای عصر قاجاری و مناسبات میان آنها را خوب می‌دانست. آنچه در موضوع تاریخ قاجار بصورت مقاله در مجله‌های یغما و راهنمای کتاب منتشر ساخت گواهی است برین مدعا. بهمین سبب بود که نگارش مقالات مربوط به رجال عصر قاجاری برای «دانشنامه ایران و اسلام» برعهده او گذاشته شد. نمونه‌هایی از آن که در مجلد اول دانشنامه منتشر یافته است نشانه‌ای است از حسن ذوق و خبرویت بلاسنازع او. بهمین مناسبت بود که از او خواسته شد تا کتاب «المآثر و الآثار» اعتماد السلطنه را تصحیح و تحشیه کند و در سلسله منابع و مآخذ عصر قاجاری که توسط انتشارات کتابهای جیبی چاپ می‌شود طبع شود. این کار را انجام داد و دو سال پیش نسخه چاپی المآثر و الآثار را به انضمام پاکتی از مطالبی که برای ذیل آن کتاب نوشته بود به من داد. چون با ناشر برای چاپ آن کار بسیار گرانسنگ صحبت کردم خط

خوش شکسته کم نظیرش را عیب کار دانست و گفت که باید این نوشته‌ها از نو نوشته شود تا حروف چین بتواند آنها را بخواند! راست می‌گفتند. محبوبی شکسته نویسی ریزنویس بود. اسلوب تحریر مشیایان عصر قاجار در خط و ربطش به استواری اثر گذاشته بود. نمونه‌ای از خط او که قسمتی است از نوشته‌های او بر المآثر و الآثار در همین شماره به یادگار به چاپ رسانیده می‌شود.

باری، دوباره قبل که آخرین بار محبوبی را در حال سلامت دیدم مطلب را به او گفتم. گفت کتاب المآثر و الآثار را می‌گیرم و آنچه در خاشیه آن به مداد نوشته‌ام مجدداً بروی کاغذ می‌نویسم تا کار حروف چین آسان شود. اما در مورد اوراقی که جدا نوشته‌ام مختارید. گفتم آنها را می‌دهم ماشین نویسی می‌کنند. بهر تقدیر ایشان کتاب را گرفت و رفت و اوراق نزد من ماند. این اوراق یادگاری است بسیار نفیس از آن مرحوم که باید حتماً به چاپ برسد، ولو اینکه بصورت کتابی مستقل*.

اطلاع و بصیرت او در باب وقایع عصر قاجاری موجب شد که دانشگاه در نشر اسناد و مدارک مربوط به خاندان فرخ خان امین الدوله (اهدائی معاون الدوله غفاری) از او استمداد کند. این کار را پذیرفت و در مدت قریب به دهه سالی که می‌گذرد منظمآ در نشر آنها با آقای کریم اصفهانیان همکاری کرده است. ملاحظاتی بر کتابهای خاطرات سمتح الدوله و دافع الغرور ادیب الملک و سفرنامه حاجی پیرزاده از همین قبیل است، و بر چند کتاب دیگر مانند دیوان حسابی.

محبوبی در سال ۱۳۴۴ (آنطور که به یاد دارم) از کار دبیری در وزارت فرهنگ اظهار ملال کرد و به دانشگاه تهران منتقل شد و در سمت معاون انتشارات دانشگاه دقیق‌ترین خدشهای علمی را انجام داد. آن خدمت خاص، مراقبت در نشر

* - این یادداشتها را در جلد دوم کتاب «چهل سال تاریخ ایران» که در سال ۱۳۶۸ انتشار یافت، به چاپ رسانیده‌ام.

عالیه در ایران نشان می‌دهد. مقاله «دومین کاروان معرفت» که در مجله یغما منتشر ساخت نیز در زمینه تاریخ تعلیمات جدید میان ایرانیان یگانه است.

سه چهار سال اخیر عمرش به دو کار اساسی مصروف شد. یکی تهیه فهرستی است از عکس رجال عصر قاجار و مناظر و ابنیه آن دوره که در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران موجود است و بالغ بر هفده هزار قطعه است. او توانست با خبریت و حوصله کم نظیر، یکایک را بنگرد و بشناسد (مگر آن مقداری که ناشناسا ماند) و برای هر یک برگه‌ای تهیه کند. امید است که این یادگار اطلاع و همت او نیز به چاپ رسانیده شود*.

یکی از کارهای با ارزش او اهتماسی است که پس از وفات مهدی بیانی در تنظیم و تصحیح جلد سوم احوال و آثار خوشنویسان آن مرحوم مصروف کرد. آن کتاب با شمه‌ای که محبوبی در سرگذشت بیانی نوشت منتشر شد. مرحوم محبوبی چون خود خوشنویس بود و به خوشنویسی علاقه مند یادداشتهای بی سرانجام و ناپخته‌ای را که از مرحوم بیانی در باره خوشنویسان خط‌نسخ به جای مانده بود، نیز تنظیم و آماده چاپ کرد. این مجلد بیش از پنچ سال است که در سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه تهران چاپ نشده مانده است*.*. مرحوم محبوبی ازین وضع خون دل می‌خورد. ولی چون صبور و متحمل بود سخنی بر لب نمی‌آورد. همزمان با آن خدمت رساله‌ای دیگر از مرحوم بیانی را که در موضوع نسخه شناسی وقواعد آن بود، به خواهش انجمن آثار ملی آماده کرد و به چاپ رسانید. آن رساله نیز زنده

* - در دو جلد جزو انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران در سالهای ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ چاپ شده است و درباره آن کتاب و زحمات مرحوم محبوبی به تفصیل در صفحات ۵۱۴ - ۵۱۵ و ۷۳۹ - ۷۴۳ سال ۱۱ (۱۳۶۴) مجله آینده سخن گفته‌ام.

. - بعنوان جلد چهارم در سال ۱۳۵۸ جزو انتشارات دانشگاه تهران به طبع رسید و آقای کریم اصفهانیان نسبت به نشر و مقدمه نویسی بر آن اتمام کرد.

شده علاقه و اهتمام مرحوم محبوبی است.

مرحوم محبوبی زنده کردن آثار بازمانده بزرگان ادب و فرهنگ را لازم می‌دانست و بهمین مناسبت بود که «الابنیة» تصحیح بهمینارو «خوشنویسان» بیانی و «نسخه شناسی» همو را چاپ کرد. جزآن، وقتی از او خواسته شد که برگه‌های سعید نفیسی مربوط به رباعیات منسوب به خیام را که متجاوز از یکهزار و پانصد برگه پریشان و بی سامان بود منظم و مرتب کند و استنساخ و آماده چاپ کند، پذیرفت و بی‌امان به کار پرداخت و آماده چاپ ساخت ولی باز در مؤسسه انتشارات متوقف ماند*.

محبوبی از این قبیل کارها زیاد کرد. بهر دانشگاهی آنچه می‌توانست مساعدت می‌کرد. وقتی غلامرضا طاهر قبول کرد که لطائف الحقائق خواجه رشیدالدین فضل‌الله را تصحیح و چاپ کند محبوبی متقبل شد که در غیاب طاهر (به علت اقامت ایشان در شهرضا) خدمات غلط‌گیری مطبوعه‌ای را انجام دهد. طاهر هم بسیار شادمان شد. چه بهتر و شایسته تر و دقیق تر از محبوبی کسی نمی‌شد پیدا کرد. محبوبی هر دو جلد را خواند و از قلم تصحیح گذرانید. طاهر خود در نامه‌ای خصوصی به من می‌نویسد: «از فوت استاد ارجمند مرحوم محبوبی بسیار متأسف شدم. خداوند او را غریق رحمت کند. آن مرحوم تقریباً تا صفحات آخر کتاب را تصحیح کرده است. حضرت عالی فرض کنید که تا پایان کار چاپ ایشان همکار بنده بوده است و تا آخر آن را تصحیح کرده است.» ازین عبارت معلوم می‌شود که آقای طاهر تصور کرده است که مرحوم محبوبی در قبال این خدمت مزدی باید دریافت کند. ولی باید ایشان

* - همسرگرامی مرحوم نفیسی در پی آن شد که اوراق آن را از آن مؤسسه بازپس گیرد و امید است خود نسبت به طبع آن اقدام فرماید.
افسوس حال که این مقاله تجدید می‌شود همسر مرحوم نفیسی هم در گذشته و هیچ معلوم نیست کتاب مرحوم نفیسی چه سرانجامی خواهد داشت.

و هم دیگران بدانند که وقتی پس از نشر جلد اول کتاب مذکور چکی بعنوان حق الزحمه برای آن مرحوم ارسال شد از قبول آن استنکاف کرد. به من گفت که لزومی ندارد. برای خدمت به فاضلی چون آقای طاهر توقع جبران نیست.

حالا به یاد می آورم که دیوان حسابی شاعر قرن دهم را نیز او تصحیح کرد. عکس نسخه این دیوان را آقای دکتر محمود حسابی از پاریس آورد و ایشان از من کسی را طلب کرد که بتواند به دقت استنساخ و تصحیح علمی کار را برعهده گیرد. خوشبختانه مرحوم محبوبی بی آنکه خود چشمداشتی توقع بکند به کار پرداخت و آن متن را بخوبی به چاپ رسانید.

محبوبی در نگارش مقاله چیره دست بود و پرکار هم بود. بیشتر مقالاتش در مجله های یغما و راهنمای کتاب چاپ شده است و سزاوار است که مجموعه آنها در یک مجلد به یاد آن یار آزاده و دانشمند جمع آوری و چاپ شود و این کار از عهده کریم اصفهانیان برمی آید چه نسبت به آن مرحوم همیشه در صدد ادای دین عملی است.

کار دیگر محبوبی تهیه کتابی بود در تاریخ فرهنگ ایران در پنجاه سال اخیر که نمی دانم آن را به کیجا رسانید.

از کتاب «تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران» جلد اول نشر شده است و چاپ جلد دوم آن به اتمام رسیده است و امید است که به کرم و همت دوستان کریم اصفهانیان منتشر شود. همچنین باید انتظار چاپ جلد سوم آن را داشت.*

از کارهای دیگر او همکاری یکی دو ساله ای است که با دکتر اصغر مهدوی

در تنظیم اسناد و مدارک بازمانده از حاجی محمد حسن امین دارالضرب و حاجی

* - جلد دوم در سال ۱۳۵۷ به همت کریم اصفهانیان و جلد سوم آن نیز در سال ۱۳۶۸ به کوشش کریم اصفهانیان و جهانگیر قاجاریه در سلسله انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسید.

حسین آقای امین الضرب داشت. باید گفت که اسناد بازمانده در خاندان مهدوی ظاهراً یگانه مجموعه ای است که دستخوردگی نیافته است و اوراق و مکاتیب و اسناد و دفاتر تجاری و همچنین سملکتی در آن برجای مانده است. از چند سال پیش که آقای دکتر مهدوی به تنظیم و طبقه بندی آنها پرداخت مرحوم محبوبی، مدتی از ایام به مهدوی کمک می کرد و چون به خواندن سیاق و خطوط منشیان آشنایی داشت و رجال عصر قاجار را می شناخت، پایه گذاری استوار و خوبی در کار این اسناد با همکاری او انجام شد.

محبوبی از معلمان عالیقدر کشور بود. شاگردانش همیشه از وسعت اطلاع و شیرینی سخن و درسش صحبت می کنند. اما چون لهجه اش کاملاً یزدی بود، گاهی مایه شوخی با او می شد. در سالهایی که در دانشگاه بود مدتی در رشته تاریخ و نیز در مؤسسه تحقیقات علوم اجتماعی مواد مربوط به تاریخ اجتماعی ایران را تدریس کرد.*

محبوبی از نوادر مأموران اداری کشور بود. راست و درست بود و دقیق. هر روز سر ساعت مقرر در دفتر کارش بود. چند آنکه زیر دستانش برای منظم بودن و در رعایت وقت این لطیفه را درست کرده بودند که محبوبی را هر روز هفت دقیقه به ساعت هشت می توان سرچهارراه امیرآباد و بولوار دید! هیچگاه به سردی و گرمی روز و بیماری و گرفتاری خانوادگی و سرخصی استحقاقی و استعلاجی متوسل نمی شد. هیچوقت خواهش و درخواستی نداشت. اصلاً و ابداً دنبال اضافه کار

* اینک که این نوشته تجدید چاپ می شود باید بگویم که چند سال این درس برعهده من بود و سالی که به سفر مطالعاتی دانشگاه می رفتم از مرحوم دکتر غلامحسین صدیقی خواهش کردم که محبوبی اردکانی عهده دار این درس بشوند. مرحوم دکتر صدیقی چون تقریباً همه نوشته های محبوبی را می شناخت و اغلب را خوانده بود و همیشه از او به ستایش یاد می کرد بی سخنی پذیرفت و از آن پس چند سال مرحوم محبوبی این خدمت را در عهده داشت.

وفوق العاده مقطوع و مزایای دیگر اداری نبود. در خدمت ورزی به دولت همیشه قانع بود.

سالی که مجمع یونسکو درباره رسیدگی به وضع نسخ خطی ملل آسیای مرکزی در کابل تشکیل می شد از دانشگاه تهران سه نماینده خواسته شده بود. به آقای دکتر عبدالله شیبانی معاون وقت دانشگاه عرض کردم محمد تقی دانش پژوه و دکتر عباس زریاب که جای خود دارند، اجازه بدهید محبوبی اردکانی هم برود. زیرا در مسئولیت اداری خود همه روز با کارهای مربوط به تهیه میکروفیلم و خرید نسخ خطی برای کتابخانه مرکزی سروکار دارد و هر قدر بتواند در تلافی بین المللی با افراد دیگر درین باب اطلاعاتی حاصل کند به نفع دانشگاه است. ایشان با خوشوقتی پذیرفت. ولی گفت مگر محبوبی بی پذیرد؟ حدسشان درست بود. مرحوم محبوبی استکف داشت. عاقبت هم به دشواری و ناگواری به قبول آن سفر تن داد. آن یگانه سفری بود که در مدت خدمت دانشگاهی پذیرفت و به خارج از کشور رفت. بسیار دیر سفر بود. ولی بقول ناصر خسرو چون سفر «ناگذشتنی» به درآمد محبوبی گرامی به سرای باقی بارسفر بست. خدایش رحمت کند که سراسر وجودش سرشته از مهر و عاطفه و حقیقت جویی و صداقت بود. قلم ناتوان و شکستگی روان نگذاشت و نتوانست که حق بزرگواریها و بلند همتیهای او را بگزارم. درگذشت این دوست عزیز که او را در حفظ خصائل انسانی کم مانند دیدم از ضایعه های جبران ناپذیر فرهنگی می شمارم و خود را در سوگ او با ابراهیم حائری* (عموزاده اش) و نیز فرزند و دامادش شریک می دانم.

* - او که در سال ۱۳۶۴ درگذشت از اخبار روزگار و از فضیلتی اردکان و از فرهنگیان

ارجمند یزد بود. خدایش بیامرزاد که سرا دوست و همسخنی ارجمند بود.

مقدمه چاپ اول

کتابی که اکنون در دست خواننده محترم قرار دارد یکی از رساله های دوره دکتری است که در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران تدوین یافته است. مؤلف آن دانشمند محترم آقای دکتر حسین محبوبی اردکانی است که با تدوین همین رساله در اسفند ماه ۱۳۵۱، به اخذ درجه دکتری در رشته تاریخ نائل شده است.

این رساله هم چنانکه از نام آن پیداست از تاریخچه ورود مظاهر تمدن جدید اروپا به ایران از قدیم ترین زمان - از حکومت آق قویونلوها - به بعد - بحث می کند آن تمدنی که از اواسط قرن پانزدهم میلادی در اروپای غربی و مرکزی ظاهر شده و جهان را تحت تأثیر و تسلط خود قرار داده است.

محقق بزرگوار برای تدوین رساله خود باشکبائی و صبر و حوصله تحسین آمیزی در طی مدت ده سال تلاش و کوشش بیش از یکصد هفته و چند سنج و مأخذ و مکتوب را تصفح کرده که قسمتی از آنها دوره های مجلات و روزنامه های معتبر کشور از آغاز تا کنون از قبیل دوره کامل اطلاعات، کیهان، یغما، محیط، راهنمای کتاب، سخن، ارمغان، جهان نو، پیام نو، مجله آموزش و پرورش، روزنامه انجمن پادشاهی انگلیس و قسمت عمده ای از جراید عهد قاجاریه و انقلاب مشروطیت از قبیل روزنامه وقایع اتفاقیه، روزنامه دولت علیه ایران، روزنامه اطلاع، مجله کاوه و غیره می باشد و نیز نشریات خصوصی دانشکده ها و وزارت خانه ها را دیده، مجموعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سفرنامه های خارجیان را مطالعه کرده ، به بعضی از اسناد خصوصی خاندانهای کهن نیز مراجعه فرموده است و تقریباً تمام کتبی که می توانسته است مورد استفاده قرار گیرد بررسی نموده ، فهرست تمام آنها را مانند هر محقق بی نظر در رساله خود آورده و مانند هر مورخ عالقدر از خود و بنام خود سخن نگفته ، بدون ارائه مأخذ و مدرک اظهار نظر شخصی نفرموده و همه جا در بیان هر نکته اسناد متعددی را ارائه داده و جای بحث و چون و چرا تقریباً باقی نگذاشته است و به این ترتیب در طول ده سال ده ها هزار صفحه را به زبان های فارسی و انگلیسی از نظر گذرانیده است و از همه مهتمتر اینکه در این بررسی به دو نکته مهم توجه داشته ، یکی بلندپروازیهها و حب و بغض ها و چاپلوسی های نویسندگان داخلی ، دیگر اغراض گوناگون نویسندگان خارجی و از خلال چنین اوراقی با این اوصاف حقایق را با قدرت بیرون کشیده نوشته ای تهیه کرده است که سالها منبع و مأخذ برای محققین دیگر قرار خواهد گرفت . خود نیز از هر نوع مدح و قدح برکنار مانده نظری جز کشف حقیقت و ایراز آن نداشته است . . .

بهر صورت این رساله که جلد اول آن در دسترس خواننده ارجمند قرار گرفته نمونه ای است از کارهایی که در دوره عالی تحصیلات دانشگاه تهران و در زمینه های تحقیقی انجام می شود .

جلد دوم و سوم آن نیز بزودی به بازار علم و ادب عرضه خواهد شد .

ان شاء الله تعالی . . .

دانشگاه تهران

خرداد ۱۳۵۴

درمیان حوادثی که بر این کشور گذشته است شاید سه حادثه از همه بیشتر اثر گذارده باشد .. نخست ظهور اسلام که با تغییر دین و آداب و رسوم و بسیاری از مظاهر فکری و عقلی ایرانی همراه بود و بجای آن از اختلاط تمدنها و آثار فکری و عقلی ایران و روم و یونان و هند و مصر و دیگر اقوام بین دجله و نیل بلکه دو اقیانوس اطلس و کبیر تمدن عالی و درخشانی بوجود آمد که تالی تمدن عصر طلائی یونان بود و خوشبختانه بسیاری از مردم ایران قهرمان این تمدن عالی و درخشان بودند .

دیگر حمله مغول که با هیچگونه مظاهر فکری و عقلی قابل اعتنا همراه نبود و جز خرابی و ویرانی چیزی با خود نداشت و از جهت تنزل ارزش های مادی و معنوی مملکت ما حقیقتاً بلائی آسمانی بود .

سه دیگر سرو کار پیدا کردن ایران بود با سیاست مغرب زمین که بقصدتهاجم و تضعیف برخاسته بود نه به نیت همراهی و همکاری .

این عامل که خود به تنهایی برای زیر و رو کردن کشوری کافی است پشتیبانی نیرومندتر از خود نیز داشت که او را در همه جا کامروا می ساخت و آن علم و دانش مترقی اروپائی بود.

این سیاست باحاطی خود به دو زمینه مساعد برخورد که یکی فقر بود و دیگری جهل، لاجرم خیلی زود به آرزوی خویش رسید و راه را برای پیشرفت

خویش هموار کرد و این بحثی است بسیار باریک و تاریک که اگر روشن شود شاید سرچشمه رفع مشکلات ما و همه مردم مشرق زمین شود.

بلی اگر مردم مشرق زمین بدرستی بدانند که چرا عقب افتاده‌اند شاید بخود آیند و تکانی بخورند و هر چند که محال است با جریان عادی روزگار به پایه ممالک پیشرفته برسند (زیرا آنها از هر جهت امکانات بیشتر و مساعدتری دارند)، ممکن است که وضع خود را چنان بهبود بخشند که اثرات نامیمون عقب افتادگیهای گذشته را از میان بردارند و روی پای خود بایستند و لااقل عقب ماندگی خود را بیشتر نکنند.

در این مطالعه - که مطلقاً از عوالم سیاسی بدور است - گمان میکنم نخست باید دید که مظاهر تمدن جدید چگونه وارد کشور شد و چگونه مورد عمل قرار گرفت، درست همانطور که در غرب عمل کرده‌اند یا ناقص و نادرست که همه جا منافع شخصی و خصوصی بر آن تقدم یافت و آن را از صورت اصلی خارج ساخت.

در این مقوله فرض نزدیک به واقع آنست که تمدن جدید از راه ورود سفراء و سیاحان و مسافران و مشاوران اروپائی به ایران وارد شد و ایرانیانی که بصورت بازرگان و محصل به اروپا مسافرت کردند، مظاهر آن را در کشورهای غرب دیدند و بتناسب وضع زمان مروج آن گشتند، منتهی چنان محافظه کارانه و کند که نه تنها عقب ماندگی از هیچ جهت رفع نشد بلکه بتناسب پیشرفت دنیای مرفقی پیوسته بر آن افزود و در پیدایش این وضع سیاست خارجی و آداب و رسوم و سجایای ملی نیز تأثیر تام داشت.

انتخاب این موضوع را نباید حمل بر غرب زدگی کرد. زیرا اولاً مقصود از آن پیروی از ظواهر تمدن غرب و تقلیدهای بی‌مایه و سبکسرانه و نفرت انگیز و بی‌خردانه نیست. ثانیاً ما چه بخوایم و چه نخواهیم مقهور این تمدن جهانگیر هستیم و نه تنها ما بلکه همه مردم دنیا این چنینند. منتهی اگر بتوانیم تمدن جدید را در ناحیه علم و صنعت فراگیریم و آداب و رسوم و خصوصیات قومی و ملی و مظاهر

تمدن قدیم خود را نیز نگهداریم - چنانکه ژاپونی‌ها کردند - براه راست رفته‌ایم و این مطلبی است که محتاج باثبات نیست و فقط باید دید که راه آن کدام است؟

شاید صاحب نظران متفق باشند که آن راه همان راهی است که بیشتر غربیها میروند یا لااقل در امور مربوط بزندگی اجتماعی و خصوصی خود اختیار نموده‌اند یعنی کار را بدرستی انجام دادن و به لوازم واقعی هر کاری - بدون در نظر گرفتن منافع شخصی و خصوصی - قیام کردن.

نکته دیگر که باید باختصار توضیح داد آنست که برخی از مسائل مورد بحث در این رساله هنوز جزو زندگی روز و معاصر بشمار میرود و شاید خیلی‌ها آنها را از مسائل تاریخی ندانند و شایسته توجه و اعتنا بشمارند و بر این قیاس چندان درصدد جمع‌آوری و نگهداری مرتب و منظم سوابق مربوط به آنها بر نیایند و اگر هم جائی راجع به یکی از این موضوعات چیزی نوشته شده است استفاده از آن بدون رعایت دوساله چنانکه باید مفید فایده نیست.

نخست حذف جنبه‌های مزاج کوئی و خودستائی و بلند پروازی در مطبوعات داخلی، دیگر توجه بخصوصیات نوشته‌های خارجیانی که در موضوع شرق چیزی نوشته‌اند.

از این خصوصیات یکی آنست که میان اخلاق و آداب و رسوم شرقیان و اروپائیان تفاوت بسیار موجود است که در نتیجه اروپائیان سطحی و بی‌تعمق بدشواری به دقائق زندگی شرقیان پی میبرند و از آن جهت آداب و رسوم و خلیات مردم مشرق بنظر آنها غریب می‌آید و نمی‌توانند این حقیقت را در یابند که هر ملتی و فردی خصوصیات اخلاقی منحصر بخود دارد و این هم هیچ عیب نیست. از این گذشته متأسفانه غریبان به ناروا حس تحقیر و توهینی نسبت به شرقیان دارند و بعلت عقب ماندگی آنها از کاروان تمدن غرب - که اکنون تمدن جهانی است - آنها را ولو محسناتی هم داشته باشند، بهیچ می‌شمرند و از آن بدتر آنکه همه

چیز را از دریچه منافع و سیاست دولت خود می بینند و هر حسن و امتیازی را اگر با سیاست دولت خود موافق نیابند عیب و نقص می پندارند و بر آن می تازند و آن را زشت می شمارند .

از اینرو با آنکه استفاده از نوشته های غربیان و مندرجات مجلات و روزنامه ها همه بجای خود مفید و لازم و مورد نیاز است بدون دقت و تعمق و سنجش همه اطراف آنها نمیتوان نتیجه صحیح گرفت و این کاری است که در حدود وسع و قدرت مورد نظر و عمل بوده است و امید است که بدرستی از عهده بر آمده باشم . در اینجا به صراحت تمام و مقرون به احترام باید بگویم که بر فضل تقدم پیشینیان که با تحقیقات خود راهنمای بنده و امثال بنده بوده اند اعتراف دارم و در عین حال می دانم که حق هیچیک از این مسائل هم چنانکه باید ادانشده است، چه اولاً همه مدارک مربوط به این مسائل انتشار نیافته و بسیاری از آنها در بایگانی ادارات و حتی در صندوقها و صندوقخانه های خانواده هاست و تا آنها بدرستی انتشار نیابد تحقیق در این مسائل هم کامل نمیشود . ثانیاً شایسته تر از بنده و امثال بنده در تحقیق این مسائل کسانی اند که دست اندر کار انجام دادن این مسائل بوده اند و چه بسا بر اسراری واقف باشند که اگر آشکار نشود کار تحقیق ناتمام میماند . قسمت مهمی از این موضوعات به حوادث روز یا خیلی نزدیک پزمان ما مربوط میشود و ناچار برای تحقیق در آنها باید بمنابع خبری روز چون روزنامه ها و مجلات مراجعه کرد . در اینجا اشکال دیگر پیش می آید و آن عدم دقت در نقل این اخبار است که معمولاً بیایه دقت در مسائل علمی نمیرسد، قطع نظر از قصد و نیتی که در انتشار آن اخبار بوده است . در چنین مواردی آنچه میسر شده است در مقام تصحیح اشتباهات بر آمده و گرنه ذکر مأخذ کرده ام و بطور کلی حد اعلائی امانت در این صفحات رعایت شده و هیچ مطلبی بدون ذکر مدرك نیامده و مرجع هر گفته یکجا و بطور پراکنده نشان داده شده است یکجا در پایان این مقال و بطور پراکنده در زیر هر صفحه .

چهار

در برخی از مسائل که تا اندازه ای رعایت اختصار شده، یا مجال تطویل و تفصیل نبوده و یا مطلب چنان مفصل میشده است که خود از کتابی در میگذشته است زیرا هر يك از موضوعات این رساله خود رساله مستقلی میتواند باشد و اگر باین صورت فراهم شده بنا بر روشی است که پیشینیان در نوشتن شرح بر کتب مختصر و مفید علمی داشته اند .

یعنی در این جا هم منظور نوشتن شرحی بر قسمت دوم تاریخ تمدن مرحوم اقبال بوده است و تقسیم بندی مطالب هم بر مبنای این نظر و آن کتاب است . النهایه ، در نقل مطالب در موارد متعدد بنقل تفصیلی نوشته های مراجع مبادرت شده است تا زحمت یافتن آنها بر خوانندگان گرامی وارد نشود چه بتجربه دریافته ام که با نبودن اسناد و کتابخانه های سهل الوصول این شیوه برای انتقال مطالب به خوانندگان که در سلیقه و قوه علمی اختلاف دارند مناسب ترین راه است هر چند که خارج از سیره اهل تحقیق باشد زیرا بهر حال خواننده را قانع می کند و کار قضاوت را آسان .

کتاب مشتمل بر سه جلد است ، و این جلد اول، که بنا بعنایت و توجه و حسن ظن اولیای محترم دانشگاه طهران و دانشکده ادبیات تقدیم خوانندگان گرامی شده است و اینک با اظهار تشکر از اولیای محترم دانشگاه طهران و سرورانی که در تهیه و چاپ این اوراق به این جانب کمک و اظهار تفقد و عنایت و حسن ظن فرموده اند، و نیز باتشکر قلبی از دانشمندان و ارباب تحقیق و تدقیق، استدعا دارم که هر جا به خطائی بر خورند و یا نکته و گفته ای سست و نسنجیده بینند در مقام ارشاد و هدایت نویسنده بر آیند و از سر لطف چشم پوزش فرمایند و بهر طریق که مقتضی بدانند یاد آوری فرمایند که به هر حال موجب نهایت تشکر و امتنان است .

پنج

فهرست منابع و مآخذ مورد استفاده بر حسب ترتیب فصول هر سه جلد کتاب

- | | |
|---|--|
| نشریه دانشکده ادبیات تبریز. | کلیات تاریخ تمدن جدید : اقبال ، قسمت دوم، |
| تاریخ روابط سیاسی ایران بسادنیسا: نجفقلی | تاریخ تمدن جدید در ایران |
| حسام معزی | تاریخ عمومی قرون وسطی: وحیدالملک شیبانی |
| سفرنامه تاورنیه ج دوم | تاریخ مفصل ایران : اقبال |
| چهار جلد سفرنامه دوبروین (مروا) | تاریخ ادبیات ایران : برون (ترجمه رشید |
| نادرشاه : لاکهارت : ترجمه مشفق همدانی و | یاسمی) ج دوم |
| متن انگلیسی | چند مقاله تاریخی و ادبی : فلسفی |
| مجله مهر | مجله دانشکده ادبیات |
| تاریخ ایران: سایکس، ترجمه فخرداعی | خلد برین، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای |
| تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران : سعید نفیسی | ملی |
| مأموریت ژنرال گاردان: کنت آلفرد دوگاردان | تاریخ روابط ایران و انگلیس ج ۵ و ج ۱ |
| ترجمه عباس اقبال | و ج ۲ : محمود محمود |
| منتظم ناصری : منسوب به اعتماد السلطنه محمد- | احسن التواریخ : حس روملو. تصحیح سیدن، |
| حسن خان | چ کلکته |
| مجله شرق | سازمان اداری حکومت صفوی : مینورسکی ، |
| روزنامه شفق سرخ | ترجمه رجب نیا |
| میرزا تقی خان امیرکبیر: مرحوم اقبال | تاریخ روابط ایران و اروپا در دوره صفویه : |
| تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران : دکترینا | فلسفی |
| یادداشت های ژنرال ترهزل باهتمام ژنرال (ژ. | دون ژوان ایرانی : ترجمه رجب نیا |
| ب. دوما) فرانسوی : ترجمه عباس اقبال | ایتر پرسیکوم: شارل شفر، بفرانسه |
| سیاست ناپلئون در ایسران: عباس میرزا پسر | خلیج فارس : ویلسون ، ترجمه سعیدی |
| فرمانفرما | سفرنامه آنتوان شرلی : ترجمه مساعدا السلطنه |
| مجله یادگاو | مسافرت ایران : کوتزبو ، ترجمه محمود هدایت |
| امیرکبیر و ایران: دکتر فریدون آدمیت | ایران و مسئله ایران متن انگلیسی: لرد کروزن |

سفرنامه اوژن فلاندن ترجمه حسین نورصادقی
 ج ۲
Aland March : ادوارد لویج میتفورد
 تاریخ ایران : مارکهام یا مارخام متن انگلیسی
 مآثر سلطانی : عبدالرزاق بیک دنبلی
 روضه الصفا
 گنج شایگان، جمالزاده
 سفرنامه رضاقلی میرزا چاپ دانشگاه تهران
 دومین سفر : جمیز موریه بانگلیسی
 مجله راه نو
 سفرنامه آجودانباشی ، فتح گرمودی نسخه
 خطی کتابخانه مجلس شورای ملی
 فارسانه ناصر
 هدایه السبیل : حاج فرهاد میرزا
 سفرنامه حاجی پیرزاده چاپ دانشگاه طهران و
 نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای ملی
 مجله ینما
 سفرنامه سولتی کف (مسافرت به ایران) ترجمه
 دکتر محسن صبا
 مطرح الانظار : عبدالحسین فیلسوف الدوله
 مجله جهان نو
 نامه فرهنگ چاپ مشهد
 وقایع اتفاقیه (روزنامه)
 مرآت البلدان : منسوب به اعتماد السلطنه
 فهرست فیلم نسخه های خطی کتابخانه مرکزی
 دانشگاه
 مقالات گوناگون : مرحوم اعلم الدوله ثقفی
 راهنمای دانشکده پزشکی بهمن ۱۳۳۲
 حیات یحیی : حاج میرزا یحیی دولت آبادی
 مخزن الوقایع : حسین بن عبدالله سرابی چاپ
 دانشگاه طهران
 فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ج ۱
 مجله نقش و نگار
 فکر آزادی : دکتر فریدون آدمیت

تاریخ نو : جهانگیر میرزا
 خلاصه الحساب : میرسید جعفرخان مشیرالدوله
 جغرافیای فلوغون رفائیل
 زندگی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره
 قاجاریه، یا تاریخ قاجار : عبدالله مستوفی
 تاریخ افضل یا افضل التواریخ، نسخه خطی
 کتابخانه مجلس شورای ملی
 مجله آموزش و پرورش
 زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه : دوستعلی
 معیرالممالک
 تاریخ بیداری ایرانیان : ناظم الاسلام
 مجله کاوه دوره دوم : تقی زاده چاپ برلن
 مجله ارمغان
 مجله پیام نو
 مجله راهنمای کتاب
 مجله سخن
 روزنامه اطلاع
 روزنامه انجمن پادشاهی انگلیس، متن انگلیسی
 سفرنامه ویل براهام ، متن انگلیسی
 کتاب قاجاریه : ادموند دو تامپل ، متن فرانسه
 تاریخ سرجان ملک
 سفرنامه درویش ترجمه جواد محیی
 تاریخ پطر کبیر و شارل چاپ زمان محمد
 شاهی
 تاریخچه چوق و قلیان : کسروی
 قصص العلماء میرزا محمد تکابنی چاپ سربی
 اسلامی
 تاریخ سفارت حاجی خلیل خان
 مسافرت به ارمنستان و ایران : ژوبر ترجمه
 محمود هدایت
 زنبیل : حاج فرهاد میرزا
 مجله ایران و آمریکا
 خاطرات و خطرات : حاج مخبر السلطنه هدایت
 ج ۱ و ۲

دانشمندان آذربایجان : محمد علی تربیت
 روزنامه دولت علیه ایران
 تحولات سیاسی نظام ایران : جهانگیر قائم مقامی
 مجله جهان پزشکی
 تعلیم پزشکی صدساله فرانسویان در ایران :
 دکتر محمود نجم آبادی
 سفرنامه از خراسان تا بختیاری : رنه دالمانی ،
 ترجمه فرهوشی
 تاریخ مسعودی : ظل السلطان
 زندگانی میرزا تقی خان امیر کبیر : حسین مکی
 فهرست کتابهای چاپی : مشار
 ایران در جنگ بزرگ : مورخ الدوله سپهر
 تاریخ کاشان : عبدالرحیم سهیل ضرابی
 مجله محیط
 یادگار عمر : دکتر صدیق
 سفرنامه مادام دیولا فوآ ، ترجمه فرهوشی
 مجله اطلاعات ماهانه
 سالنامه دبیرستان قریب سال ۱۳۳۸-۱۳۳۷
 شرح حال پرنس ارفع : محمد جواد هوشمند
 راهنمای دانشکده کشاورزی سال ۱۳۴۴
 سالنامه دانشسرای عالی سال ۲۰ - ۱۳۱۹
 و ۱۷ و ۱۶ و ۱۵
 تاریخ فرهنگ ایران : دکتر صدیق
 مجموعه اسناد آقای معاون الدوله غفاری
 یادداشتهای مرحوم محتجن الدوله شقاقی
 تاریخ مدرسه عالی سپهسالار : ابوالقاسم سبحان
 سپهسالار اعظم : محمود فرهاد معتمد
 سیاست گران دوره قاجار : خان ملک ساسانی
 شرح حال عباس میرزا ملک آرا
 عصر بیخبری : ابراهیم تیموری
 تاریخ عضدی : احمد میرزا عضد الدوله ج ۲
 خاطرات سیاسی امین الدوله : حاج میرزا علی خان
 امین الدوله

تحقیق در تاریخ قندسازی ایران : مهندس ابراهیم
 ریاحی
 تاریخ انقلاب مشروطیت ایران : دکتر ملکزاده
 تاریخچه بانک ملی ایران
 بانک شاهنشاهی و امتیاز : ع - دانشپور
 روش نوین : دکتر صدیق
 تاریخ قرن ۱۹ و ۲۰ : فلسفی
 تاریخ ترکیه : کلنل لاموش ، ترجمه سعید
 نفیسی
 اقتصاد : دکتر پورهمایون
 پول و بانکداری : مصطفی فاتح ،
 اطلاعات در یک ربع قرن
 میهن ما : محمد حجازی
 مجله بلدیة
 سالنامه دنیا
 تاریخ هفتادساله پلیس ایران : پاشا لواعمختاری
 تاریخ بیست ساله ایران : حسین مکی
 انقراض قاجاریه : بهار
 روزنامه کیهان
 مجموعه آثار ملک : آقای محیط طباطبائی
 سفرنامه برای سیمکشی ، نسخه خطی کتابخانه
 مجلس شورای ملی
 تاریخ پست و تلگراف و تلفن : ح - پژمان
 سواد و بیاض : ایرج افشار
 مجله شیر و خورشید
 روزنامه اطلاعات
 دفتر سواد نامه های پست از محسن خان امینی
 مجله آینده
 استقلال گمرکی ایران : مرحوم صفی نیا
 خاطرات اعتماد السلطنه
 اختناق ایران : شوستر ج ۱
 تاریخ اصفهان و ری و همه جهان : حاج میرزا
 حسنخان شیخ جابری انصاری
 راه آهن ایران : مهندس مجتبی ملکوتی

فهرست مندرجات

صفحه	موضوع	صفحه	موضوع
۲۱	فصل سوم ، دوره افشاریه	۱	بخش اول ، فصل اول ، پیش از صفویه
۴۹	بخش دوم ، فصل اول ، دوره عباس میرزا	۲	آغاز تمدن جدید و وضع ایران ...
۵۱	اقدامات عباس میرزا ...	۳	تشکیل حکومت عثمانی و اثر آن در ایران
۵۷	اصلاح نظام لشکری	۴	تمدن جدید چگونه و از چه راه به ایران
۶۱	کوشش های عباس میرزا ...	۵	رسید
۶۲	افتتاح روابط ایران و فرانسه ...	۶	اشاره ای به روابط حسن بیک با جمهوری ونیز
۶۳	ارتباط ناپلئون و فتحعلی شاه با یکدیگر	۹	فصل دوم ، دوره صفویه
	اجمالی از خدمات هیئت نظامی فرانسه	۱۲	برادران شرلی و همراهانشان
۷۴	در ایران	۱۹	سفراء و سیاحان خارجی دیگر در ایران
	نتیجه مأموریت هیئت نظامی فرانسه برای	۲۰	غمال ... شرکت انگلیسی ...
۷۷	ایران	۲۲	جان نیوبری ... دوگوه آ
۷۸	نمونه ای از طرز کار مأمورین ناپلئون	۲۴	اتین کاکش ...
۸۳	چگونگی زندگی فابویه در اصفهان	۲۷	پیترو دلاواله
۸۵	علل شکست هیئت گاردان	۲۸	دون گارسیا
۹۰	افسران فرانسوی در ایران	۳۰	تاورنیه
۹۴	هیئت های نظامی انگلیسی در ایران	۳۱	آدم اولتاریوس
	نتیجه مأموریت هیئت نظامی انگلیس	۳۳	شاردن
۱۰۶	برای ایران	۳۵	کمپفر
۱۱۱	مقایسه شرایط و امکانات دو هیئت	۳۶	دوبروین
۱۱۵	موانع داخلی اصلاح نظام لشکری ایران	۳۸	رفائل دومانس
۱۲۲	اعزام محصل به اروپا	۳۹	سانسون
۱۴۲	ورود بانگلستان		

مجله فلاح و تجارت	مجله اطاق صنایع و معادن ایران
مجله راه آهن	مجله بازرگانی و اقتصاد
پنجاه سال نفت ایران : مصطفی فاتح	نشریه وزارت امور خارجه
سفر نامه ویلسن یا تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غربی ایران: ویلسون ترجمه و تلخیص حسین سعادت نوری	تاریخ نفت ایران از عصر قدیم تا آغاز قرن بیستم : دکتر لورنس لکهارت ، ترجمه فارسی نقل از روزنامه اطلاعات (مقاله)
راه آهن سراسری ایران ۱۳۰۷ - ۱۳۱۷	نفت در دنیا - ایران ، اقتصادی - سیاسی: ابراهیم همایونفر
ماهنامه سازمان برنامه	طلای سیاه یا بلای ایران : لسانی
کوشش های یکساله نشریه وزارت اطلاعات ۱۳۴۳	جنگ نفت : انتون موهر: ترجمه محمود محمود
گزارش پیشرفت عملیات عمرانی برنامه سوم	جغرافیای مفصل ایران : کیهان
مجله اطاق تجارت	کلیات جغرافیای اقتصادی : اقبال ۱۳۲۵
مجله کار	صنعت نفت ایران چاپ لندن
تاریخ یزد یا آتشکده یزدان : آیتی	نفت و دولت در خاورمیانه : جرج لنچافسکی،
اخبار دانشگاه	ترجمه دکتر علینقی عالیخانی
مجله بانک ملی	کتاب یادبود افتتاح تاسیسات آب تهران
مجله بانک صنعتی و معدنی ایران	

صفحه	موضوع	صفحه	موضوع
۳۸۵	مدرسه مظفریه	۳۰۸	ملاحظات در ترقی و تنزل دارالفنون
۳۸۶	مدرسه دانش، افتتاحیه، شرف	۳۱۱	بیانیه دولت ناصری
۳۸۸	دبستان دانش	۳۱۸	توجه مظفرالدین شاه بمدرسه
۳۸۹	مدرسه سادات، ادب	۳۲۰	اقدامات بعدی در زمینه بسط معارف...
۳۹۱	مدرسه قدسیه، کمالیه، اسلام	۳۲۰	اعزام محصل به اروپا
۳۹۲	مدرسه خرد، نظریات اصلاحی... برنامه...	۳۳۹	گزارشهایی در باره این محصلین
۳۹۴	بختی در باره مدارس جدید	۳۴۱	گزارش دیگر....
۳۹۷	وقفه در پیشرفت مدارس جدید	۳۴۵	گزارش دیگر....
۳۹۹	مدرسه عالی علوم سیاسی	۳۵۳	تأثیر اجتماع فرانسه در محصلین
۴۰۲	مدرسه عالی حقوق	۳۵۵	اعزام محصل پس از مشروطیت
	مدرسه عالی حقوق و علوم سیاسی، مدرسه	۳۶۰	موضوع سرپرستی در اروپا - ورود محصلین
۴۰۵	عالی تجارت	۳۶۲	محصلین دیگر ایرانی در اروپا
۴۰۶	مدرسه فلاح مظفری	۳۶۴	نتیجه اعزام این دسته
۴۰۷	مشروطیت و معارف جدید	۳۶۶	تأسیس مدارس جدید، مدرسه تبریز
۴۱۰	مدارس متوسطه	۳۶۷	مدرسه همایونی مدارس اروپائی
۴۱۲	مدارس دخترانه	۳۶۹	انجمن معارف
۴۱۴	مدرسه آلمانی	۳۷۴	شورای عالی معارف
۴۱۵	مدرسه صنایع مستظرفه	۳۷۵	رشدیه و معارف جدید
۴۱۶	دارالمعلمین مرکزی	۳۸۰	مدارس ابتدائی اوایل
۴۲۱	فهرستها، نام اشخاص	۳۸۲	مظفرالدین شاه و معارف جدید
۴۴۶	نامهای جغرافیائی	۳۸۳	شرحی از مدارس جدید دوره مظفرالدین شاه
۴۵۲	نامهای مؤسسات... نامهای کتب...	۳۸۴	مدرسه علمیه

صفحه	موضوع	صفحه	موضوع
۱۴۵	ساعت	۲۳۰	آغاز کار محصلین
۱۴۷	استعمال دخانیات	۲۳۱	روزنه امید
۱۵۲	آشنائی به نقاشی اروپائی	۲۳۲	بختی در رفتار داری
۱۵۵	شناختن دوربین نجومی	۲۳۵	وضع حال و رفتار محصلین
۱۶۰	کارگران اروپائی در ایران	۲۳۶	روابط محصلین و دولت انگلستان
۱۶۲	در دوره قاجاریه	۲۳۸	تأثیر اجتماع انگلستان در محصلین
۱۶۶	تأسیس مدارس اروپائی در ایران	۲۴۰	تبلیغ
۱۶۷	راههای دیگر	۲۴۳	ازدواج و ورود بجمع فراماسونها
۱۷۱	فصل دوم، دوره ناصرالدین شاه	۲۴۵	بازگشت محصلین بایران
۱۷۲	تأسیس روزنامه و قایع اتفاقیه	۲۴۶	حرکت از انگلستان
۱۷۶	دومین روزنامه	۲۴۷	خدمات این محصلین، میرزا صالح شیرازی
۱۸۰	مقایسه مطالب و قایع اتفاقیه و روزنامه		میرزا سید جعفر خان
۱۸۲	علمیه		میرزا رضا
۱۸۶	تأسیس دارالفنون		استاد محمدعلی
	ترس ناصرالدین شاه		میرزا محمد جعفر، محصلین و کار -
۱۸۷	هدف از تأسیس دارالفنون		آموزان دیگر
	نام دارالفنون		محصلین و کارآموزان اعزامی زمان
۱۸۹	محل و ساختمان دارالفنون و نخستین		محمدشاه
۱۹۵	معلمین...		اعزام کارآموز بروسیه...
۱۹۶	مداخله بیگانگان، استخدام اطریشیها		ساختن اسلحه...
۱۹۸	افتتاح مدرسه		در زمان محمدشاه
۲۰۲	سازمان مدرسه		در زمان ناصرالدین شاه
۲۰۹	وسایل و روش کار مدرسه		تأسیس چاپخانه و روزنامه - پیش از
۲۱۱	بودجه، تأسیسات مدرسه		قاجاریه
۲۱۵	هیأت آموزشی مدرسه - معلمین اروپائی		در زمان قاجاریه
۲۱۷	معلمین ایرانی		چاپخانه در تهران
۲۱۸	گزارشی از کار دارالفنون		چاپخانه در شهرستانها
۲۲۲	برنامه و میزان تحصیلات محصلین		چاپ مصور
۲۲۴	دارالفنون		روزنامه
۲۲۴	کارهای فوق برنامه		مشخصات روزنامه میرزا صالح
۲۲۴	پایان دوره اول مدرسه		ترجمه کتب اروپائی
۳۰۶	تأثیر مدرسه در تعلیمات قدیمی		آغاز معارف جدید در ایران - پیش از
۳۰۷	تأثیر علوم قدیم در مدرسه		قاجاریه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بخش اول - نخستین آشنائی

فصل اول

پیش از صفویه

تعریف تمدن جدید - مراد از تمدن جدید، تمدنی است که از اواسط قرن
پانزدهم میلادی در اروپای غربی و مرکزی ظاهر شده و با سرعت شروع بترقی و بسط
و تکامل نموده و تا امروز کم و بیش در تمام دنیا پراکنده شده است، اکتشافات مهم و
استنباط و استخراج قوانین علمی و استفاده‌های علمی از آن قوانین، یعنی وارد کردن
علم در زندگی عادی، اوضاع جهان را بتدریج دگرگون ساخت و بسط دامنه
صنعت و ایجاد کارخانه‌ها و مراکز صنعتی وسیع، تمدن جدید را بصورت تمدن
کارخانه‌ای و مادی درآورد و در اثر آن ثروت در اروپای مرکزی و غربی روز بروز
زیادتر گشت و رفاه اقتصادی زمینه را برای پیشرفت در سایر شعب علوم که هر یک از
جهتی با انسان و اجتماع افراد انسانی سروکار دارد آماده ساخت از آن میان، آن

۱- تاریخ تمدن اقبال قسمت دوم ص ۲

دسته‌علمی که بیشتر جنبه اجتماعی دارد بسبب مطالعات تازه و پر دامنه علمای جدید بسط و تکامل فراوان یافت و بالتیجه تمدن جدید با آنکه صورت تحول و تکامل یافته تمدنهای قدیم است چنان می‌نماید که از بسیاری جهات با آنها فرق دارد.^۱ منجمله آنکه از جهت سرعت و وسعت دامنه ترقی و انتشار، با وسایل علمی و فنی‌ای که در اختیار دانشمندان و اهل تحقیق هست، این تمدن در حقیقت تمدنی عالمگیر است و امروز تقریباً بر همه نقاط دنیا حکومت قطعی دارد و هیچ کشوری در جهان پیدا نمیشود که هر چند دارای تمدن قدیم و با سابقه هم باشد خود را از آن بی‌نیاز بداند. این تمدن که روز بروز در حال پیشرفت و تسلط بر جوامع انسانی است همان است که ما آن را تمدن جدید می‌نامیم.

آغاز تمدن جدید - هر چند تاریخ حیات و تمدن بشر چون رشته پیوسته‌ای است که آغاز و انجام آن را بحقیقت و بصورت قطعی و مسلم نمیتوان دانست، مع هذا بنا بر تقسیماتی که جهت آسان کردن مطالعات تاریخی بعمل آمده است شروع تمدن جدید را معمولاً با آغاز تاریخ قرون جدید اروپا همراه میدانند و سال ۱۴۵۳ میلادی (مطابق با ۸۷۵ هجری) را مبدأ این تاریخ بشمار می‌آورند. وقایع مهم این دوره، چنانکه بر همه معلوم است، عبارتست از: رنسانس، اصلاح مذهب مسیح، ترقی دریانوردی، اکتشافات جغرافیائی و کشف سرزمینهای تازه و بالاخره اختراعات شگرف و سودمند که هنوز نیز دنباله آن با توسعه بیشتری ادامه دارد.

وضع ایران مقارن آغاز تمدن جدید - در این دوره ایران از نظر سیاسی گرفتار هرج و مرج و اختلافات و کشمکش‌های بسیار بود چه قسمت‌های مختلف آن بین شاهزادگان تیموری و ترکمانان آق‌قویونلو و قراقویونلو مورد نزاع بود و مملکتی که دوره حکومت ایلخانان و ترکنازیهای تیمور را دیده بود، هر قسمت آن چند گاه یکبار دست بدست می‌گشت و امنیت و آرامش که عامل اساسی پیشرفت تمدن است از آن رخت بر بسته بود، سلطان ابوسعید تیموری (۸۷۳ - ۸۵۵) بر

نواحی شمال شرقی ایران تسلط داشت و جهان‌شاه قراقویونلوی ترکمان (۸۷۲ - ۸۳۹) بر فارس و کرمان و عراق و آذربایجان، در حدود دیاربکر و ارمنستان، امیر مقتدر دیگری مشغول پی‌ریزی سلسله سلطنتی تازه‌ای بود که همان حسن بیگ از طایفه ترکمانان آق‌قویونلو باشد.^۱ این سه پادشاه خواه و ناخواه برای منحصر ساختن قدرت بخود، سر جنگ و جدال با یکدیگر داشتند و این جنگها نیز بر خرابی و ویرانی ایران می‌افزود، بالاخره از این میان حسن بیگ فاتح بیرون آمد و دو رقیب دیگر خود را از میان برد لیکن قدرت او با اقتدار سلطان محمد فاتح پادشاه عثمانی برخورد نمود و مبداء حوادث جدیدی در ایران و آسیای صغیر گشت. فرزندان حسن بیگ نتوانستند ملک پدر را نگاهدارند و در جنگهایی که با هم داشتند بر خرابی ایران افزودند تا ثوبت بسطنت صفویه و تجدید وحدت سیاسی ایران رسید و بالنسبه آرامشی در این کشور پدید آمد.

از همین دوره قدرت حسن بیگ و رقابت او با سلطان عثمانی است که آشنائی ایران با تمدن جدید آغاز شد، چه قبل از آن نه ارتباط صحیح و منطقی بین ایران و اروپا برقرار بود و نه تمدن جدید چنان قوی شده بود که بتواند در خارج از اروپا انتشار یابد.

تشکیل حکومت عثمانی و اثر آن در ایران - پیش از این نامی از پادشاه عثمانی برده شد اینک باختصار گفته میشود که: دولت عثمانی منسوب است به عثمان پسر از طغرل پسر سلیمان پسر قیالپ یا کیالپ از طایفه قاجچی یکی از طوایف ترکمان غز.

سلیمان پسر قیالپ در جزء سپاهیان خوارزمشاهی پامغول می‌جنگید، و پس از قتل سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه (۶۲۸ هجری) (۱۲۲۹ میلادی) از حوالی نسای خراسان جلای وطن کرده با کسان و ایل خود به غرب آمد و در اطراف ارزنگان (ارزنجان) و ارمنستان سکنی گزید.^۲ بعد از سلیمان کسان

وایل او متفرق شدند و از آنها بعضی به سمت آسیای صغیر رفتند و تا مدتی شهر نشین نبودند.^۱

در سال ۶۷۸ هجری قمری (۱۲۷۹ میلادی) علاءالدین سوم سلجوقی پادشاه آسیای صغیر ولایت « سلطان اونی » (فریگیه) را به عثمان نواده سلیمان بخشید و از علامات حکمرانی طبل و علم و دم اسب برای او فرستاد.^۲ بیست سال بعد که دولت سلاجقه روم به پایان رسید ، عثمان در ممالک متصرفی با استقلال تام نایل آمد و از اینرو تاریخ سلسله سلاطین عثمانی را از آن زمان که سال آخر قرن سیزدهم میلادی بوده است باید دانست.^۳

اثر تأسیس حکومت عثمانی در ایران - تشکیل دولت عثمانی در آسیای صغیر و تسخیر استانبول و ممالک بالکان و جزایر و سواحل شرقی مدیترانه به توسط چند تن از مقتدرترین سلاطین ایشان مثل سلطان محمد فاتح و سلطان سلیم و سلطان سلیمان از وقایع عظیمی است که هم در ممالک اروپا تأثیرات بزرگ داشته و هم در ایران .

نخستین اثر این امر در ایران آن بود که پادشاهان عثمانی در صدد برآمدند از قدرت نظامی خود استفاده نموده ، خویش را خلیفه مسلمین و پیشوای منحصر عالم اسلام معرفی کنند و بر این ترتیب ممالک اسلامی را یکی بعد از دیگری به تصرف درآوردند و در این راه نیز کامیابی بسیار یافتند لکن حسن سیاست بزرگان ایران و سران پیروان صفویان با ترویج و تبلیغ مذهب تشیع جلو این پیشرفت را از سمت ایران گرفت و از راه مذهب وحدت سیاسی ایران تا مین گشت^۴ و اگر در این امر مبالغه و افراط نشده بود مناسبترین سیاستی بود که در طول تاریخ ایران بعد از اسلام از طرف دولتهای ایران اتخاذ شده بود .

دومین اثر این مسئله ، یعنی تشکیل حکومت عثمانی ، در ایران آن بود که

۱ - تاریخ عمومی قرون وسطی مرحوم وحید الملک ص ۱۲

۲ - همان کتاب ص ۴

۳ - همان مرجع ۴ - تاریخ مفصل ایران اقبال ص ۲۵۹

متصرفات آن دولت بین ایران و اروپا قرار گرفت و مانع ارتباط مستقیم اروپائیان با ایران گشت و اروپائیان که میخواستند کالاهای ایران و مخصوصاً ابریشم را خریداری نمایند مجبور شدند با استانبول و بغداد و حلب آیند و در آنجا با قیمت‌هایی گرانتر از ترکهها بخرند و چون این بازرگانان اروپائی که غالباً از مردم فرانسه و انگلیس و ایتالیا بودند ، در ضمن معاملات خود با ترکان عثمانی در ازای پرداخت قیمت کالاهای تجارتنی گاهی اوقات بعضی از مصنوعات ممالک خود را که در حال ترقی بود و در مشرق زمین تهیه نظیر آنها باسانی میسر نبود مثل توپ و تفنگ و ساعت و غیره بفروشدگان میدادند ، بنابراین ترکان عثمانی زودتر از مردم ایران با اروپائیان و تمدن اروپائی آشنائی یافتند و از این موضوع استفاده کردند ، چنانکه یکی از علل عمده پیشرفت سلاطین عثمانی در جنگ‌هایی که با پادشاهان ایران و امرای مصر و شام کردند داشتن اسلحه آتشین بود که از اروپائیان بدانها رسیده بود در صورتیکه رقباء ایشان یا از داشتن این نوع اسلحه محروم بودند یا آنکه نوع اسلحه آنان بپایه اسلحه عثمانیان نمیرسید.^۱

تمدن جدید چگونه و از چه راه به ایران رسید - از جمله نقاطی که در سایه پیشرفت دریانوردی و توسعه تجارت دریائی قدرت مالی و سیاسی عمده یافته بود بندر ونیز بود که حکومت آن بصورت جمهوری اداره میشد و در همه سواحل مدیترانه و دریای سیاه عمال تجارتنی و بازار خرید و فروش و با دولت عثمانی رقابت شدید داشت و جزایری چند از قبیل « قبرس » و « اوبه » را به تصرف درآورده بود . حکومت عثمانی مانع عمده ترقی بازرگانی و رشد اقتصادی ونیز بود ، از اینرو ده سال بعد از فتح استانبول بدست سلطان محمد فاتح در ۱۴۵۳ میلادی ، سنای ونیز تصویب کرد که آن جمهوری با حسن بیك آق قویونلو روابط سیاسی برقرار و بر ضد ترکان عثمانی با آن پادشاه معاهده‌ای منعقد نماید ، همین امر باعث ورود نخستین مظاهر و عوامل تمدن جدید با ایران گشت ، چه نمایندگان سیاسی و

۱ - تاریخ تمدن اقبال قسمت دوم ص ۴

تجاری و بازرگانان ونیزی که بایران می آمدند ، محصولاتنی از تمدن جدید را بعنوان هدیه یا کالای بازرگانی یا کمک پادشاه آق قویونلو بایران می آوردند ، که از آنجمله بود انواع اسلحه آتشین از نوع تفنگ و خمپاره انداز و شمشال و جز از اسلحه ، عینک برای تقویت چشم از جمله چیزهائی است که بتوسط همین افراد در ایران وارد شده و انتشار یافته است و علت اینکه اسلحه گرم از نخستین آثار تمدن جدید در ایران است همین مسئله رقابت شدید میان ونیز و عثمانی است .^{۱-۱}

اشاره‌ای بر روابط حسن بیک با جمهوری ونیز - نخستین سفیر ونیز در دربار حسن بیک « کوئی ری نی »^۱ نام داشت که به تبریز آمد و حسن بیک هم دو سال بعد دوتن را بسفارت بونیز فرستاد ولی مذاکرات چندان پیشرفتی نکرد و تا چهار سال متوقف ماند ، در این جریان عثمانیها جزیره « اوبه » را که مدت ۲۶۴ سال در دست جمهوری ونیز بود گرفتند و دولت ونیز در سال ۱۴۷۱ میلادی (۸۷۶ هجری قمری) یکی از نجای آن ولایت را بنام « کاترینونو »^۲ که زنش دختر خواهر « دسپینا »^۳ زن حسن بیک بود بایران فرستاد . « زنو » در سفرنامه خود شرح ملاقاتش را با خاله زنش و سفارش نامه هائی که از او برای حسن بیک گرفت بتفصیل نوشته است ، در حینی که « کاترینونو » در تبریز بود « حاجی محمد »^۴ ایلچی حسن بیک در ونیز مشغول مذاکره برای گرفتن اسلحه و مهمات بود و در نتیجه « ژوزافا بارو »^۵ نامی با مقداری اسلحه بدربار حسن بیک

۱-۱- تاریخ تمدن اقبال قسمت دوم ص ۳ - ۱ - Quirini - ۲- از تقریرات مرحوم رشید یاسمی - ۳ - Caterino Zeno - ۴ - Despina دختر کالویو حنا پادشاه سلسله کومنتی Coneni طرابوزان بود و خواهرش به شخصی موسوم به Nicolò Crespo شوهر کرده بود. این زن اخیر چهار دختر داشت که بچهار نفر از اشراف و شاهزادگان تاجر ونیزی شوهر کرده بودند که یکی از آنها کاترینونو بود - ۵- این نام میان حاجی محمد و قاضی محمد مشکوک است و صورت متن از تقریرات مرحوم رشید یاسمی است.

۶- Josaphat Barbaro

روانه گشت ، از جمله این سلاحها ، شش توپ و ششصد تفنگ فتیله‌ای و تعدادی تفنگ سبک بود که دو یست نفر تفنگدار با افسران آنها ، حامل آن بودند ، دولت ونیز محرمانه متعهد شده بود که هیچوقت با عثمانی صلح نکند مگر آنکه آسیای صغیر را با بوغازها بایران واگذار کند . « باربارو » در قبرس که از مراکز دریائی ونیز محسوب میشد مدتی معطل گردید در این اثنا امرای « قرامان » به همراه دریاسالار ونیزی که در قبرس بود دو نقطه ساحلی را با بندر « سلفکه »^۱ از دست عثمانیان گرفتند و « باربارو » نیز در این لشکر کشی دریائی شرکت نمود و از اینرو نتوانست مهمات را بحسن بیک برساند و حسن بیک بامید این اسلحه خود را داخل زد و خورد با عثمانیها کرده بود و چون اسلحه نرسید شکست خورد . حسن بیک بعد از این شکست باز با ونیز مکاتبه میکرد و « کاترینونو » را مأمور کرد که نزد دول اروپا برای جلب مساعدت بسفارت رود دولت ونیز نیز کوشش بسیار کرد که مساعدت مؤثری باو بنماید و در سال ۸۷۸ (۱۴۵۶ میلادی) « اوگنی بن » نامی را مأمور ایران کرد و « باربارو » نیز عاقبت مصمم شد که از قبرس حرکت کند سفیر دیگری هم بنام « کنتارینی »^۲ باو ملحق شد و این نشان کمال توجه دولت ونیز است به حسن بیک برای تقویت او در قبال دولت عثمانی .

در حقیقت ، آنهمه کوشش که ونیزیها برای بستن اتحاد با امیر حسن بیک آق قویونلو و تحریک او بجهنگ با ترکان عثمانی میکردند تمام برای این بود که استیلای عثمانیها بر استانبول و بوغازها از دو طرف حیات سیاسی و اقتصادی آنها را در خطر انداخته بود و میخواستند که از خطر استیلای عثمانیها بر جزایر و بنادر متعلق بخود بکاهدند و راه تجارت با ایران را باز کنند لکن در این راه کامیابی حاصل نکردند و عثمانیها هم آنها را مغلوب کردند و هم مؤسس سلسله آق قویونلو را و بالنتیجه ونیزیها جزایر یونان و قبرس را از دست دادند و راه تجارت مستقیم ایشان با ایران نیز قطع گردید . ونیزیها از سه راه با ایران ارتباط بازرگانی داشتند :

۱- Solfeke - ۲ - Ognibene - ۳ - Contarini

نخست از راه گرجستان و شبه جزیره کریمه، دیگر از راه طرابوزان و استانبول و سوم از راه موصل و دیاربکر و حلب و بندر اسکندرون و از این سده راه امتعه مرغوب ایران مثل ظروف و اسلحه سرد و اقسام پارچه‌های قیمتی و شال وقالی مخصوصاً ابریشم را باروفا میبردند و از جهت وسائل حمل و نقل نیز کاملاً آماده و قوی بودند چه هم کشتی‌های جنگی و بازرگانی بسیار داشتند و هم بریکعه از جزایر و بنادر مدیترانه شرقی حکومت میکردند.^۱

با همه اقدامات و نیزیهها، حسن بیك كه يكبار از عثمانی‌ها شكست خورده بود، در تجدید جنگ با آنها تردید داشت و چون « باربارو » سفیر و نیز این حال را دید از راه دریا بسمت و نیز باز گشت و و نیزیهها هم بعد از فوت حسن بیك با عثمانی‌ها صلح کردند.

فصل دوم

دوره صفویه

در همان زمان که ترکان عثمانی در آناتولی و بالکان بمنتهای قدرت و عظمت رسیده و پادشاهان آق‌قویونلو که در ایران سلطنت میکردند در چار ضعف و اختلاف شده بودند، دولت صفوی تشکیل شد، شکست حسن بیك از سلطان محمد فاتح قدرت ترکها را تا آخرین حد شرقی آسیای صغیر رسانید و حسن بیك و جانشینان او نتوانستند از پیشرفت آن جلوگیری نمایند، تجزیه دولت آق‌قویونلو ایران را برای مستهلك شدن در متصرفات عثمانی آماده و قدرت از بکان در شمال خراسان این خطر را شدیدتر میساخت، حکومت‌های مختلف ایران هیچکدام قادر بجلو گیری از تجاوز عثمانی‌ها و از بکان نبودند.

در میان این پریشانی‌ها چند تن از سران وفادار پیروان صفویان اسمعیل فرزند سیزده ساله شیخ حیدر صفوی را بقیام واداشتند^۱ و از نتایج کوششها و کشمکش‌های پیروان او و پدراناش در قفقازیه جنوبی^۲ و آناتولی و دیاربکر بهره‌برداری نمودند.^۳ این قیام بتأسیس دولت صفوی و وحدت ایران منتهی گردید، عثمانی‌ها در ابتدا با دولت صفوی روابط عادی داشتند^۴ و چون صفویان، سلطنت

۱- تاریخ ادبیات ایران برون ترجمه مرحوم رشید یاسمی ج ۲ ص ۳۲ - ۲- همان کتاب ص ۵۷ و ۵۸ - ۳- همان کتاب ص ۷۲ و ۷۳ - ۴- چند مقاله تاریخی و ادبی آقای نصرالله فلسفی ص ۴ و ۵

۱- تاریخ تمدن مرحوم اقبال قسمت دوم ص ۳

آق‌قویونلوها - دشمنان سابق عثمانیان - را تصرف کرده بودند ممکن بود که این ارتباط بحال عادی بماند لکن نفوذ روزافزون پیروان صفویه در آناتولی و بسط قدرت آنان که بامبارزات بسیار حاصل شده بود عثمانی‌ها را متوجه خطر ساخت و چون نوبت سلطنت سلطان سلیم اول رسید (۹۱۸ هجری - ۱۵۱۲ میلادی) نخست فرمان قتل‌عام پیروان صفویه را که در قلمرو او پراکنده بودند صادر نمود و سپس بانیروی سنگین و مجهزی بایران روی آورد (۹۲۰ هجری ۱۵۱۴ میلادی) جنگ میان سلطان سلیم و شاه اسمعیل در محل چالدران در نزدیکی «خوی» اتفاق افتاد و بشکست شاه اسمعیل مؤسس دولت صفوی پایان یافت. در این جنگ سلطان سلیم توپخانه‌ای نسبتاً قوی داشت^۱ در صورتیکه سپاه ایران از آن محروم بودند^۲ و حتی استعمال اسلحه آتشین را خلاف جوانمردی و دلیری می‌شمردند.^۳ بعلاوه شاه اسمعیل و چندتن از سران سپاه او چنان بدلیری خود و سپاهیان خود متکی بودند که از تدابیر جنگی و اشغال مواضع مناسب خودداری کردند^۴ و بالنتیجه تمام کوشش و جان‌سپاری آنها بهدر رفت و سلطان سلیم نیز مانند سلطان محمد فاتح در مرزهای شرقی خود پیروز گشت. این جنگ باعث شد که ایرانیان بنقص تجهیزات نظامی خود و لزوم داشتن اسلحه آتشین پی ببرند و بعلاوه شاه اسمعیل در صدد ایجاد ارتباط با پادشاهان اروپا برآمد و هر چند در زمان سلطنت او نتیجه چندانی از این موضوع گرفته نشد لکن اثر آن در زمان سلطنت جانشینان او بخوبی ظاهر گشت. در زمان سلطنت بالنسبه طولانی شاه طهماسب اول (۹۳۰ - ۹۸۴ هجری قمری) (۱۵۲۳ - ۱۵۷۶ میلادی) بر اثر زیاد شدن مراودات اروپائیان با ایران اسلحه آتشین در ایران انتشار یافت، لرد کرزن بنقل از برادران شرلی در کتاب «ایران و مسئله ایران» مینویسد: «ایرانیها قبلاً بکار بردن توپ را از پرتغالی‌ها آموختند و در

۱- مجله دانشکده ادبیات س ۱ ش ۲ ص ۷۹ ۲ و ۳- همان مدرک. ص ۹۳ ۴- خلدیرین نسخه خطی مجلس ص ۴۸ این فکر نسنجیده از «دورمیش خان شاملو» بود در مقابل (خان محمد استاجلو و نورعلی خلیفه روملو) و جمعی از غازیان جنگجو که طور و طرز رومیان را نیکو میدانستند . . . و از آن خود خواهی و غرض هم استنباط میشود .

زمان شاه طهماسب عده‌ای از نظامیان پرتغالی در قشون ایران بودند که با ترکها جنگ کردند و در این جنگ بود که ایرانیها تفنگ را بکار بردند.^۱

بکار بردن تفنگ پیش از این قضیه هم در ایران سابقه داشته است - صرف نظر از اینکه از زمان حسن بیك آق‌قویونلو تفنگ در ایران رواج داشت، بنا بنوشته احسن التواریخ در موقع «مخالفت سلطان سلیمان بن سلطان حیدر بخاقان اسکندرشان» یعنی شاه اسمعیل «تبریزیان او باش دیوارهای خیابان را سوراخ کرده آن روز بر گشتگان را بضر تیر و تفنگ مغلوب گردانیدند»^۲ و شاید قصد شرلی‌ها این بوده است که بگویند اسلحه عمده سپاهیان ایران در جنگ با عثمانی‌ها، اسلحه گرم بوده است .

علاوه بر این شاهد، وجود عده‌ای از استادان خارجی که برخی از آنها قبلاً در خدمت پادشاهان عثمانی بوده و از آنها رنجیده و بایران آمده بودند باعث شده بود که ایرانیان ساختن اسلحه آتشین را از آنها فرا بگیرند،^۳ احسن التواریخ در ذکر «محاصره نمودن شاه‌دین پناه یعنی شاه طهماسب قلعه ارجیش را» مینویسد: «. . . . غازیان بانداختن توپ و تفنگ شروع نمودند و مردم قلعه از بالای برج بنیاد انداختن تیر و تفنگ، از اینجانب توپ چون دعای مستجاب میلی بعالم بالا نمود»^۴ این قضیه در سال ۹۵۹ هجری (۱۵۵۲ میلادی) اتفاق افتاده است . هفت سال بعد که «بایزید» شاهزاده عثمانی بایران پناهنده شد همراهیان او مقداری اسلحه آتشین با خود بایران آوردند.^۵

۱- تاریخ روابط ایران و انگلیس ج ۵ ص ۴۱۶ بنقل از کرزن

۲- ص ۱۴۰ ۳- تاریخ تمدن مرحوم اقبال - قسمت دوم ص ۵ ۴- ص ۳۶۸

۵- احسن التواریخ ص ۴۱۱: «گفتار در قضایائی که در سنه سبع و ستین و تسعمائه واقع گردید سلطان بایزید باجنود چون سد حدید همه با اسلحه جنگ و تبر و شمشیر و تفنگ با اسبان تازی بمیدان قزوین درآمدند ولی «الساندری» . . . میگوید که ۳۰ قبضه توپ همراه آورد» سازمان اداری حکومت صفوی ص ۵۲